

دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا خواجه سروی *

سید جواد حسینی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

چکیده

امروز اعتراض سیاسی یک مسئله برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و این پدیده سیاسی-اجتماعی در ابعاد مختلف، ثبات سیاسی را به چالش کشیده است؛ جامعه ایران از یک سو در سطوح مختلف و متعدد درگیر روندی اعتراضی و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران خواهان حفظ ثبات سیاسی خود برای حکمرانی است. از این رو یکی از مسائل اصلی جمهوری اسلامی ایران تعارض بین دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی است. برای پاسخ به این سوال، مبتنی بر روش کیفی و همچنین مبتنی بر چارچوب نظری، به مسئله ثبات سیاسی به مثابه نقطه تعادل، در دو سطح خرد و کلان به زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد؛ آنگاه اثرگذاری اعتراض سیاسی به‌عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده بر روی این نقطه تعادل در جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نهایت مشخص شد، اعتراض سیاسی به‌عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده فعال در هر نظام سیاسی امکان وقوع دارد و برای مدیریت آن لازم است ابتدا فهم صحیحی از مفهوم اعتراض سیاسی به دست آید، آنگاه سطوح اثرپذیری ثبات سیاسی از اعتراض سیاسی از یکدیگر تفکیک شوند تا متناسب با هر سطح اقدام و تصمیم‌سازی صورت پذیرد. مبتنی بر این الگوی تحلیل، سه سطح راهکار عملیاتی جهت حل تعارض دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی ارائه شده است. در این مقاله پژوهشی تلاش شده تا با نگاهی نوآورانه، راهکارهایی برای حل تعارض دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک مسئله عینی و واقعی و مورد نیاز جامعه و نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه شود.

واژگان کلیدی

اعتراض سیاسی، ثبات سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

khajehsarvy@yahoo.com

* استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی^۱

** دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی^۲ (نویسنده مسئول) s.j.hosseini66@gmail.com

مقدمه

اعتراض سیاسی به‌عنوان یک پدیده سیاسی-اجتماعی تبدیل به واقعیتی فراگیر در جوامع شده است. امروزه هیچ حاکمیتی نیست که با مسئله اعتراض سیاسی روبه‌رو نباشد و بخشی از دغدغه نخبگان سیاسی حاکم را شامل نشود. این در حالی است که پیش‌بینی‌ها این‌گونه بود که با گسترش نظام‌های مردم‌سالار در جوامع، تحولات اجتماعی ناظر به مسائلی چون تغییر اجتماعی، بحران‌های سیاسی و همچنین اعتراض سیاسی به حداقل می‌رسد (نش، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۹؛ هانتینگتون، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۹). از این رو هر چند برخی علت افزایش اعتراض‌های سیاسی را ناشی از تصلب ساختارهای سیاسی می‌دانند اما به نظر می‌رسد به‌رغم این پیش‌بینی‌ها، روند اعتراض‌های سیاسی افزایش یافته است (طالبیان، ۱۳۸۹، ص. ۱۴).

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک نظام سیاسی درگیر مسئله اعتراض سیاسی شده است. روند اعتراض سیاسی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز نشان از رشد فزاینده اعتراض سیاسی در جامعه ایران دارد. اعتراض‌های اسفندماه ۱۳۵۹، جنبش‌های اعتراضی سال ۱۳۷۱، تیرماه ۱۳۷۸، حوادث سال ۱۳۸۸، اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ و همچنین تابستان ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که اعتراض سیاسی تبدیل به مسئله‌ای چند بعدی و مهم برای جمهوری اسلامی ایران شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۳).

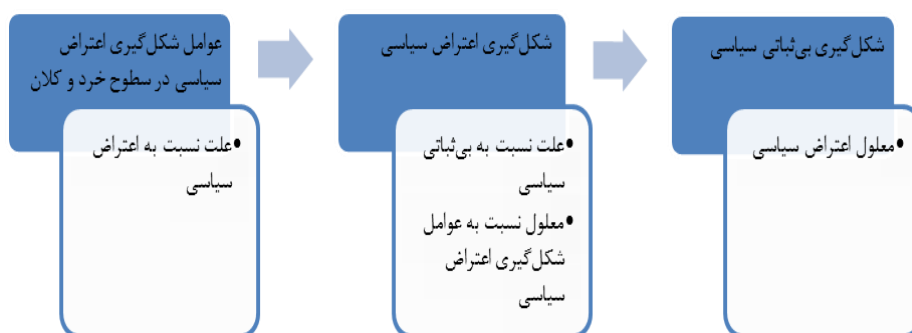
از این رو موضوع اعتراض سیاسی یک مسئله با اهمیت برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اهمیت این مسئله در بعد ایجابی آن است. پرداختن به مسئله اعتراض سیاسی می‌تواند مدل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دولت و نخبگان سیاسی را در بحران‌ها و جنبش‌های سیاسی-اعتراضی کارآمدتر سازد. از سوی دیگر، فقدان این پژوهش منجر به بی‌ثباتی و همچنین آسیب‌پذیری دولت در مقابل جنبش‌های اجتماعی نوظهور خواهد شد. اگر بپذیریم که اعتراض سیاسی یک واقعیت در جامعه ایران و در حال افزایش است، پرداختن به آن ضرورتی انکارناشدنی است.

ناظر به مسئله اعتراض سیاسی و ابعاد اهمیت و ضرورت آن، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران، نسبت بین دو متغیر «اعتراض سیاسی» و «ثبات سیاسی» است. روند فزاینده اعتراض سیاسی در جامعه ایران معاصر از یک سو و بسترهای مولد اعتراض سیاسی از سوی دیگر نشان از چالش بین این دو متغیر دارد؛ زیرا هدف اصلی اعتراض سیاسی به چالش کشیدن ساختار و حاکمیت سیاسی و به صورت واضح بی‌ثبات نمودن تعادل نظام سیاسی است؛ درحالی‌که نقطه محوری و همچنین نقطه تعادل یک حاکمیت و نظام سیاسی «ثبات» آن تلقی می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران از یک سو به دلیل اینکه یک نظام سیاسی و قدرت مستقر در جامعه است، باید زمینه‌ساز، مولد و محافظ ثبات سیاسی به‌عنوان مفهوم محوری حکمرانی باشد؛ اما از سوی دیگر به این دلیل که جامعه مولد و بسترساز اعتراض سیاسی شده است، ثبات به چالش کشیده می‌شود. از این رو، چالش اصلی این است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند نقطه تعادل خود را بین دوگانه «اعتراض سیاسی» و «ثبات سیاسی» بیابد. بنابراین پرسش اصلی آن است که نقطه تعادل بین دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی چیست و چه راهکارهایی برای حل این چالش می‌توان ارائه داد؟

روش استفاده شده در این پژوهش رویکردی تلفیقی است؛ این پژوهش از سنخ پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شود و نویسنده مبتنی بر تکنیک‌های اسنادی (صادقی فسائی، ۱۳۹۴: ۶۵) و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌ها و سپس تحلیل آنها پرداخته اما در مقام تحلیل داده‌ها از دو روش تبیین و تحلیل روند به صورت مشخص بهره گرفته است. منظور از روش تحلیل روند، کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای بالقوه روندهاست (منزوی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰). برای رسیدن به این منظور در دو سطح خرد و کلان به شناسایی نشانه‌ها پرداخته و با فهرست نمودن نشانه‌ها و علل

شکل‌گیری اعتراض سیاسی در سطح کلان و همچنین با اتخاذ روش تبیینی در سطح خرد، علل شکل‌گیری اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی ایران واکاوی شده است.



شکل (۱): روند اثرگذاری و تأثیرپذیری اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

هدف اصلی این پژوهش آن است که به یکی از مهم‌ترین سوالات موجود در ذهن کنش‌گران سیاسی در جمهوری اسلامی ایران پاسخ دهد. جمهوری اسلامی ایران در دوگانه ثبات سیاسی و اعتراض سیاسی نیازمند راه‌حل یا راه‌حلی است. این پژوهش از آن رو ضرورت دارد که هنوز درک دقیق و علمی از روند اعتراض سیاسی در جامعه معاصر ایران و همچنین اثرگذاری این روند بر جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. در انتها به ارائه راهکاری سه لایه‌ای جهت مدیریت اعتراض سیاسی برای حفظ و صیانت از ثبات سیاسی ارائه می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. اعتراض سیاسی

اعتراض سیاسی از مفهوم اعتراض سرچشمه می‌گیرد. اعتراض در لغت به معنای انتقاد، ایراد، بازخواست، تعرض، خرده‌گیری، مؤاخذه، نکته‌گیری و واخواهی آمده است (معین، ۱۳۸۱، ص. ۱۶۸). اعتراض سیاسی در نهاد مفهومی خود یک کنش محسوب می‌شود. دیتر «کنش اعتراضی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «فعالیت اعتراضی شیوه‌ای از کنش

سیاسی با هدف اشکال وارد ساختن به سیاست‌ها و شرایط است که مشخصه آن، نمایش یک ویژگی نامتعارف برای گرفتن امتیاز از نظام‌های سیاسی و اقتصادی است؛ این در حالی است که فعالیت مزبور در داخل نظام صورت می‌گیرد. (دیتز، ۱۳۹۵، ص. ۷۷)

بنابراین اعتراض سیاسی به رفتار جمعی تمام یا بخشی از جامعه نسبت به شبکه رسمی قدرت یعنی دولت و حاکمیت اطلاق می‌شود که هدف آن مخالفت و خرده‌گیری است و موضوع آن نیز در حیطه امر سیاسی رقم می‌خورد (اپترز، ۱۳۸۰، ص. ۳۶؛ حسینی، ۱۳۹۱، ص. ۲۹ و دیتز، ۱۳۹۵، ص. ۷۳).

۲.۱. ثبات سیاسی

دومین مفهوم محوری در این مجال، مفهوم «ثبات سیاسی» است. بسیاری از پژوهش‌گران با توجه به طبیعی بودن ثبات سیاسی در یک جامعه و ذاتی بودن آن در امر حکمرانی، این مفهوم را بی‌نیاز از توصیف و تبیین می‌دانند. با این حال متناسب با رویکرد یک مکتب، تعاریف از ثبات سیاسی متفاوت است. همچنین باید توجه کرد که ثبات، مفهومی نسبی، هنجاری و مقایسه‌ای است. به عبارت روشن‌تر، ثبات سیاسی وضعیتی است که در مقایسه با دیگر نظام‌های سیاسی معنا می‌یابد (عظیمی، ۱۳۸۷، صص. ۶۲-۶۳).

از این رو برخی از پژوهشگران ثبات سیاسی را به‌عنوان وضعیت طبیعی یک حکومت یا سازمان سیاسی و به معنای پایایی سامان سیاسی در نظر گرفته‌اند. دسته‌ای دیگر آن را به معنای نبود عوامل بی‌ثبات‌کننده نظیر انقلاب، شورش و اعتراض معنا کرده‌اند (ساندرز، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷). همچنین برخی دیگر نیز به معنای نقطه تعادل در یک سیستم سیاسی تعریف کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۹۶، ص. ۸۷).

البته باید بیان داشت که مبتنی بر یک تعریف انتقادی معرف‌هایی چون «وقوع» یا «احتمال وقوع»، «چالش‌ها» یا «تغییرات» از نوع «غیرقابل پیش‌بینی»، «غیرمتعارف» و

«خارج از نهادها و رویه‌های موجود»، «خشونت‌آمیز» یا «غیرخشونت‌آمیز» برای «نظام سیاسی»، «رژیم حکومتی»، «مقامات حکومتی»، «قوانین و مقررات حاکم» یا «سیاست‌های حکومتی»، «مقامات حکومتی»، «قوانین و مقررات حاکم» یا «سیاست‌های اتخاذی» در تعریف ثبات سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی دخیل هستند (دلوری، ۱۳۹۴، ص. ۶).

۳. پیشینه تحقیق

به صورت تحقیقی، درباره مفاهیم اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام پذیرفته است اما با توجه به مسئله اصلی این پژوهش یعنی اثرگذاری این دو متغیر بر جمهوری اسلامی ایران، پژوهش مستقلی صورت پذیرفته است.

با این حال پیشینه پژوهش را در یک تقسیم‌بندی اولیه می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) کتاب‌های حوزه بی‌ثباتی سیاسی: رسانه‌ها و بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی ایران (افتخاری، ۱۳۸۱)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (خواجه سروی؛ ۱۳۸۲)، منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (عظیمی، ۱۳۸۷) و آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران (محمدی، ۱۳۹۳). این کتب همگی بی‌ثباتی را به‌عنوان یک معلول در نظر گرفته‌اند و علت‌های مختلف را عامل شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی تحلیل کرده‌اند. اصغر افتخاری در کتاب «رسانه‌ها و بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی ایران» استراتژی رسانه‌های نوظهور را عامل شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌داند. از سوی دیگر، غلامرضا خواجه‌سروی بی‌ثباتی سیاسی را ناشی از رقابت‌های سیاسی بدون چارچوب قلمداد می‌کند؛ از این رو، وجه اصلی مسئله‌وارگی در کتاب ایشان، ناظر به دو متغیر ثبات سیاسی و رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. همچنین عظیمی در کتاب خود عدم اجماع

نخبگان سیاسی را عامل بی‌ثباتی سیاسی می‌داند و تلاش می‌کند آن را به‌عنوان یک علت اصلی تبیین کند. محمدی نیز در کتاب خود تلاش داشته با رویکردی آینده‌پژوهانه، روند بی‌ثباتی در ایران را تحلیل و همه عوامل شکل‌دهنده بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی ایران را با رویکرد حداکثری فهرست کند.

بدیهی است که رویکرد این نویسندگان به بی‌ثباتی سیاسی با اینکه متمرکز بر روی یکی از مسائل جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، معلول‌گراست. این تلاش‌ها به دنبال تبیین مسئله‌وار بی‌ثباتی سیاسی نبوده است تا این تبیین منجر به رسیدن به پاسخی شود. این درحالی است که سوال و پرسش اصلی این پژوهش ناظر به دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی است. از این رو، این خلأ نظری در کتاب‌های بررسی شده، مشهود است.

ب) رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها: زمینه‌های فکری ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (حسینی، ۱۳۸۷)، بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها در جمهوری اسلامی ایران (شفیعی‌فر، ۱۳۸۷) و ثبات سیاسی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران (توسلی، ۱۳۸۹).

در این بخش نیز دغدغه و رویکرد اصلی پژوهشگران روی متغیر بی‌ثباتی سیاسی به‌عنوان یک متغیر وابسته - بوده است. حسینی در پایان‌نامه‌اش به زمینه فکری و اندیشه‌ای بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی پرداخته و این رویکرد هر چند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های بررسی ثبات سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی در ایران مطرح است؛ اما تمرکز انحصاری بر علل زمینه‌ای، پژوهش را از روایی کافی محروم می‌کند. در رساله «بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها در جمهوری اسلامی» نیز، پژوهشگر تمرکز اصلی خود را بر توصیف بحران‌ها متمرکز ساخته و در پژوهش «ثبات سیاسی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی»، مسئله اصلی‌اش را حول دولت‌ها در جمهوری اسلامی تعریف کرده است.

ج) مقالات: بحران ناهماهنگی پایدار قوای سه گانه حاکمیت؛ مطالعه موردی ایران (قریشی؛ ۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی، کشمکش‌های سیاسی و شکاف اجتماعی (داودی؛ ۱۳۸۱)، ثبات سیاسی در نظام مردم‌سالار دینی (پورفرد، ۱۳۹۶)، مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض‌آمیز (عالی پور، ۱۳۸۶)، نظریه آشوب؛ مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران (اکوانی، ۱۳۹۲)، بررسی زمینه‌ها، علل و امکان وقوع انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران (اشرفی، ۱۳۹۴)، کالبدشکافی انقلاب‌های رنگین و تأثیر آن در ایران (خسروی، ۱۳۸۹)، انتخابات و ثبات سیاسی در ایران (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۴)، نقش ولایت و رهبری در ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران (شفیعی، ۱۳۹۵). پژوهشگران در این مقالات تلاش داشته‌اند با تعریف «ثبات سیاسی» و «بی‌ثباتی سیاسی»، متغیرهای اثرگذار بر ثبات سیاسی را به‌عنوان یک عامل، تحلیل و تبیین کنند و اثرات آن را بر جمهوری اسلامی بررسی و سنجش کنند.

اما در مقاله‌های نام برده شده بخشی از مقالات به دلیل تمرکز بر روی مسئله یا ایجاد رابطه علی و معلولی بین دو متغیر، عمق بیشتری دارند. به‌عبارت‌دیگر، در پژوهش‌های مذکور بی‌ثباتی سیاسی، یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده است؛ اما در نقد این پژوهش‌ها می‌توان نوشت که درباره اعتراض سیاسی به‌عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده در سیستم‌های حکومتی به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش مجزا و مستقلی انجام نپذیرفته است. نوآوری پژوهشی این مقاله در همین نقطه است: تلاش برای حل تعارض دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران.

اعتراض سیاسی یکی از مهم‌ترین ابعاد بی‌ثباتی سیاسی و از بارزترین علائم بی‌ثباتی یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. به عبارت روشن‌تر شاخص‌ترین نشانه و نماد بی‌ثباتی سیاسی برای یک نظام سیاسی میزان و تکرار اعتراض سیاسی در آن نظام یا علیه نظام سیاسی مستقر است.

نقد اصلی پیشینه پژوهش انجام شده در همین نقطه است. در این پژوهش‌ها بی‌ثباتی سیاسی با مهم‌ترین و شاخص‌ترین متغیر خود مورد کنکاش و پژوهش قرار نگرفته است. این پژوهش در صدد است این خلأ را تبیین و تکمیل کند.

۴. چارچوب نظری

متغیر اصلی در این مقاله ثبات سیاسی و اثرگذاری اعتراض سیاسی روی آن است. نظریه‌های شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی در دسته‌های ذیل طبقه‌بندی شده‌اند.

۴.۱. نظریه محرومیت نسبی

اگر اعتراض سیاسی را یک پدیده سیاسی-اجتماعی و یکی از عوامل بی‌ثباتی سیاسی بدانیم، یکی از چارچوب‌های نظری تبیین‌کننده اعتراض سیاسی در مواجهه و ارتباط موثر با ثبات سیاسی، نظریه «محرومیت نسبی» است. این نظریه معتقد است که راهکار در امان ماندن از اعتراض سیاسی، خرسند و راضی نگه‌داشتن جامعه است. این رویکرد نظری، محرومیت نسبی را عامل اعتراض سیاسی و اعتراض سیاسی را عامل بی‌ثباتی سیاسی تلقی می‌کند (پناهی، ۱۳۹۳، ص. ۲۷۹؛ رابرت گر، ۱۳۸۸، ص. ۴۷ و دیلینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۲). ممکن است در شکل‌گیری محرومیت نسبی، ناکامی یا احساس محرومیت نسبی عوامل مختلف و متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش داشته باشند. از این رو در نظریه‌های محرومیت نسبی هر گونه تغییر اجتماعی که موجب ظهور و شکل‌گیری انتظارات برای زندگی بهتر نزد مردم شود، بدون این که وسایل لازم برای تأمین این انتظارات فراهم شود، می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی بیانجامد (طالبیان، ۱۳۸۹، ص. ۴۱).

در این پژوهش مجموع نظریات محرومیت نسبی و ناکامی حاصل از آن بر پایه انگیزه‌های غیرعقلانی و مبتنی بر عاطفه و هیجان تحلیل می‌شود. در این چارچوب نظری، اعتراض سیاسی یک رفتار عاطفی و مبتنی بر انتخاب غیر عقلایی است. هر چند بخش مهمی از شکل‌گیری انتظارات فزاینده و خواسته‌های گروهی مبتنی بر نسبت

داشته‌ها و احساس عدم رضایت از نداشته‌ها محسوب می‌شود و نتیجه این فاصله سرخوردگی است؛ اما همواره ریشه همه اعتراض‌های سیاسی استنتاج‌های شخصی، عاطفی و هیجانی نیست. بلکه بخش مهمی از اعتراض‌های سیاسی ناظر به انتخاب عقلایی رخ می‌دهند.

۲،۴. نظریه بسیج منابع

این نظریه تلاش دارد تا خلأهای چارچوب نظری «محرومیت نسبی» را پوشش دهد. استدلال پایه برای تبیین این خلأ نیز این‌گونه است که ناکامی و نارضایتی مولد اعتراض سیاسی، همواره در جوامع وجود داشته و دارد و صرف وجود این زمینه‌های تکوین‌دهنده و تشکیل‌دهنده اعتراض سیاسی، نمی‌توان مشارکت در کنش سیاسی را توضیح داد. به عبارت روشن‌تر تنها ناکامی و نارضایتی نمی‌تواند منجر به کنش جمعی چون اعتراض سیاسی شوند. از این رو، یک پدیده ثابت یعنی نارضایتی را نمی‌توان تبیین‌کننده یک پدیده متغیر مانند اعتراض سیاسی دانست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۱). رویکرد بسیج منابع بر اهمیت عناصر عقلانی و استراتژیک در پدیده‌های به‌ظاهر غیرعقلانی مثل رفتارهای شورش و خشونت‌بار تأکید می‌ورزد (پناهی، ۱۳۹۳، ص. ۳۲۷؛ طالبیان، ۱۳۸۹، ص. ۵۷، و گر، ۱۳۸۸، ص. ۴۷).

در این چارچوب نظری اعتراض سیاسی به‌عنوان نتیجه یک کنش عقلایی تعریف می‌شود. به عبارت روشن‌تر معترضین در پی محاسبه منفعت، وقتی تشخیص می‌دهند با اعتراض سیاسی به‌رغم بی‌ثباتی سیاسی منفعت بزرگتری دریافت می‌کنند، اقدام به اعتراض سیاسی می‌کنند. از این رو اصل موضوع بنیادین در این دیدگاه آن است که رفتار اعتراضی، شکلی هدفمند از منازعه و مبارزه معطوف به قدرت سیاسی است. بنابراین اهمیتی ندارد که چگونه مردم، سرخورده و ناکام شوند یا در شرایط مختلف اجتماعی دچار محرومیت نسبی شوند (لارنا، ۱۳۹۰، ص. ۴۳).

این چارچوب نظری از این منظر که به طور کلی کنش جمعی و رفتار معترضین را مبتنی بر یک رفتار عقلانی و بر اساس منابع و ابزار تحلیل می‌کند، فاقد امکان و ظرفیت برای تحلیل‌های ساختاری و همچنین تبیین روندهای بلند مدت در یک جامعه است؛ این در حالی است که بخش مهمی از روندهای اعتراضی در سطح کلان قابل فهم و تحلیل است.

۳,۴. نظریه تئوری‌های وابستگی

در حالی که دو چارچوب نظری پیش گفته، تکیه و تأکید بر عوامل و مولفه‌های داخلی دارند، این چارچوب نظری عوامل و شرایط خارجی را در شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی و در نتیجه آن، اعتراض سیاسی دخیل و اثرگذار می‌دانند. هر چند نمی‌توان نقش عوامل داخلی را در تولید بی‌ثباتی سیاسی انکار کرد اما به نظر می‌رسد ترکیب عوامل داخلی و خارجی را می‌توان ترکیب دقیق‌تری برای تبیین اعتراض سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی دانست.

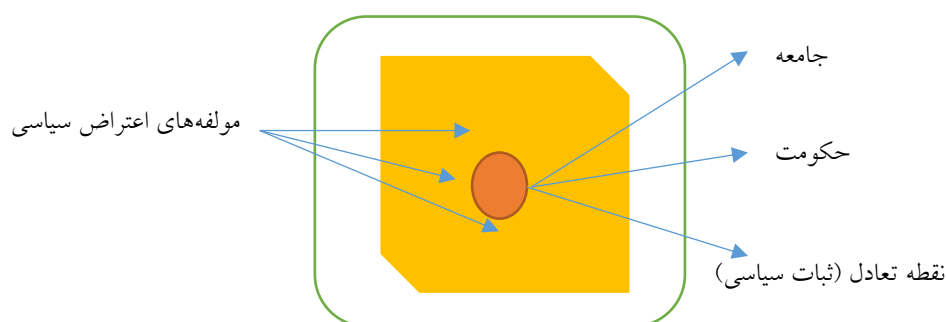
تئوری‌های وابستگی به تشریح عوامل خارجی که منازعه و کشمکش خشونت‌بار را میان کشورهای وابسته یا پیرامونی تشدید می‌کند، می‌پردازند و درصد هستند نشان دهند که چگونه فرآیندهای بین‌المللی و جهانی روی خشونت داخلی کشورها تأثیر می‌گذارد (طالبیان، ۱۳۸۲، ص. ۶۴). مبتنی بر این نظریه، از حیث هنجاری، ادغام در نظام نوین سرمایه‌داری در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، برای کشورهای دیگر، پیامدهای منفی داشته که مهم‌ترین این پیامدها سطوح بالای خشونت و بی‌ثباتی سیاسی است (پناهی، ۱۳۹۳، ص. ۳۳۰ و طالبیان، ۱۳۸۲، ص. ۷۰).

۴,۴. نظریه تعادل

اما مبتنی بر نظریه سیستم‌ها، نظام سیاسی را می‌توان به عنوان یک سیستم در نظر گرفت که در عین تحرک و پویایی تلاش می‌کند چارچوب اصلی این سیستم را ثابت و بدون تغییر نگه دارد. سیستم سیاسی عهده‌دار اجرای کارویژه‌های خاصی است. بخشی از این کارویژه‌ها مربوط به بخش «درون نهاد» و برخی مربوط به بخش «برون نهاد» سیستم

سیاسی است. این کارویژه‌ها بر اساس ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و نقش‌ها صورت می‌گیرد؛ اما ثبات نظام سیاسی مستلزم استمرار تعادل میان سیستم‌های فرعی مختلف در درون نظام اجتماعی است و تفاوت آهنگ تغییر بین این سیستم‌ها موجب عدم تعادل و بی‌ثباتی می‌شود (بشیریه، ۱۳۹۶، ص. ۸۷). مفهوم تعادل در دل مفهوم سیستم نهفته است؛ زیرا وقتی نظام سیاسی را در نظر می‌گیریم و برای آن کارویژه تعریف می‌کنیم، تعادل، مفروض آن نظام سیاسی است (پناهی، ۱۳۹۱۳، ص. ۱۹۴).

از این رو اگر نظام سیاسی را یک سیستم در نظر بگیریم و ثبات سیاسی را نقطه تعادل این سیستم بدانیم، حاکمیت نقش حمایتی این نقطه ثبات یا همان نقطه تعادل را دارد. بسترهای شکل‌گیری اعتراض سیاسی نیز عوامل بسترساز یا شتاب‌دهنده یا شکل‌دهنده محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر نقطه تعادل سیستمی منجر به شکل‌گیری و تداوم امر ثبات سیاسی به عنوان بستر اصلی یک حکومت برای اهداف بعدی خواهد شد (دیلینی، ۱۳۹۴، ص. ۳۵۷).



شکل (۲): توضیح ثبات سیاسی به مثابه نقطه تعادل

منبع: (یافته‌های تحقیق)

اعتراض‌های سیاسی در یک جامعه به عنوان متغیرها و عوامل بی‌ثبات‌ساز بر نقطه محوری این سیستم، یعنی ثبات سیاسی اثر می‌گذارند. این اعتراض‌ها از سوی جامعه که سطح اجتماعی نظام سیاسی است، برمی‌خیزد. از سوی دیگر حکومت نیز در جایگاه

ساختار قانونی حکمرانی تلاش دارد تا با ابزار مختلف، نقطه تعادل ثبات سیاسی را حفظ کند و آن را تداوم بخشد؛ اما سیاست‌ها و تصمیم‌های نظام سیاسی ممکن است بخشی از جامعه را علیه نظام سیاسی مستقر، بسیج کند و آنان را به اعتراض سیاسی وادار سازد. صرف نظر از مبانی و آشکال اعتراض سیاسی مبتنی بر ساختارهای ارزشی و هنجاری یک جامعه، اعتراض سیاسی یک واقعیت از سوی جامعه است که به سوی حکومت ابراز می‌شود. اگر جریان معترض پاسخ مطلوب خود را دریافت نکند، بی‌ثبات‌سازی نقطه تعادل سیستم، هدف اصلی معترضان خواهد بود.

از این رو، نقطه تعادل، نقطه اصلی بعد پژوهشی این چارچوب نظری است. اندیشمندان و جامعه‌شناسان مختلف درباره سیستم اجتماعی و نقش نقطه تعادل در تثبیت آن، نظریه‌پردازی کرده‌اند (ابراکرامبی، ۱۳۸۸؛ دیلینی، ۱۳۹۴؛ ریتزر، ۱۳۸۹؛ سیدمن، ۱۳۸۶ و کالینیکوس، ۱۳۹۷). ناظر به سیستم سیاسی می‌توان این‌گونه بیان داشت که نظام سیاسی وقتی با ثبات است که به‌طور منظم با دریافت داده‌ها، آنها را به بازده تبدیل می‌کند. بنابراین اگر مدار داده، فرآیند، بازده و بازخورد گسسته شود، نظام سیاسی دچار اختلال می‌شود. بنابراین در مقام جمع‌بندی، اعتراض سیاسی به‌عنوان یک عامل تهدید کننده ثبات سیاسی، نقطه تعادل حاکمیت را به‌عنوان مغز نظام سیاسی، مورد تأثیر قرار می‌دهد.

۵. الگوی تحلیل

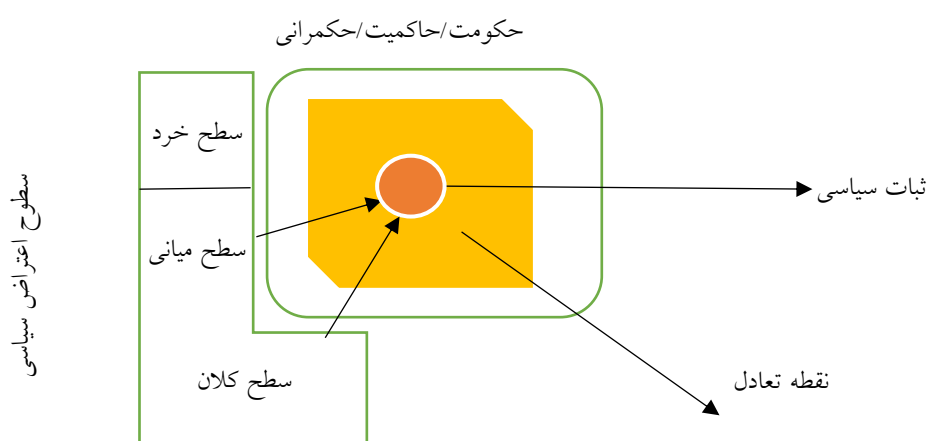
الگوی دو سطحی الگوی تحلیل مناسبی برای این پژوهش است. این الگو برای گونه‌شناسی و دسته‌بندی عوامل اعتراض‌ساز در جمهوری اسلامی قابل استفاده است. بنابراین، برای تبیین وضعیت اعتراض سیاسی، این عوامل را می‌توان در دو سطح کلان و خرد تقسیم‌بندی کرد. (قبادزاده، ۱۳۸۱، ص. ۲۵)

- منظور از سطح کلان، روندهایی است که فارغ از زمان، مکان و همچنین اقتضائات جمهوری اسلامی و مبتنی بر یک رویکرد تمدنی و جامعه‌شناسی تاریخی در بلند مدت

در جامعه ایران رخ داده و اثرگذار است. روش تطبیقی و تحلیل روندی ناظر به این سطح از تحلیل است.

- منظور از سطح خرد، عوامل و مولفه‌هایی است که در سطح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناظر به نخبگان سیاسی و سیاست‌های حکمرانی جمهوری اسلامی، نسبت به جامعه، فهم و تحلیل می‌شود. روش تبیینی علی ناظر به این سطح از تحلیل است.

- اعتراض سیاسی و به تبع آن بی‌ثباتی منجر به برهم خوردن تعادل در یک نظام سیاسی می‌شود. در جمهوری اسلامی نیز عوامل متعددی در شکل‌گیری اعتراض سیاسی نقش دارند. همه این عوامل و مولفه‌ها به‌عنوان عامل تهدید کننده و بی‌ثباتی سیاسی مطرح می‌شوند و تعادل سیاسی را به‌عنوان نقطه اصلی و محوری حاکمیتی و حکمرانی به چالش می‌کشند. در شکل شماره سه، تلاش شده است تا عوامل و بسترهای شکل‌دهنده اعتراض سیاسی به دو بخش خرد و کلان تقسیم شود. اعتراض سیاسی ممکن است از علت‌های مختلف و متعددی سرچشمه گرفته و تولید شود. شناسایی این بسترها و مدیریت آن نیز بخش مهمی از مسئله حکمرانی در جامعه است.



شکل ۳: الگوی تحلیلی سطوح اعتراض سیاسی و تاثیرگذاری بر بی‌ثباتی سیاسی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۶. سطوح اعتراض سیاسی

۱,۶. سطح کلان

۱,۱,۶. شکل‌گیری جامعه معترض

جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مواجهه با موضوع اعتراض سیاسی با چالش‌ها و مسائل متعددی روبه‌رو و روند اعتراضی در جمهوری اسلامی تبدیل به روندی کلان شده است. از این رو مانند آنچه که مارکس در جامعه سرمایه‌داری، وبر در جامعه عقلانی، گیدنز در جامعه باز و کاستلز در جامعه مبتنی بر روابط شبکه‌ای تبیین می‌کردند (سیدمن، ۱۳۸۸، صص. ۳۸-۸۸)، جامعه امروز ایران را نیز می‌توان «جامعه معترض» بنامیم (بشیریه، ۱۳۸۶، صص. ۶۵۹-۸۱۳). به عبارت دیگر، در این رویکرد، «اعتراض» به عنوان یک روند کلی در نظر گرفته می‌شود که در سابقه تاریخی جامعه ایران یک نقطه شروع دارد و با گذشت زمان و جمع شدن عوامل مختلف، این روند شتاب بیشتری به خود گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۳). آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معروف معاصر معتقد است که شیوه‌های اعتراض و عمل جمعی بر حسب شرایط تاریخی و فرهنگی هر جامعه متفاوت است (گیدنز، ۱۳۸۳، ص. ۶۷۲). از این رو هر جامعه مبتنی بر بنیان‌ها و ساختارهایی که دارد، شیوه اعتراض مختص به خود را به نمایش می‌گذارد. مشخصه اصلی جامعه معترض آن است که همواره از میان رضایت و اعتراض، قطع نظر از محتوای اعتراض و محتوای رضایت، اعتراض را انتخاب می‌کند. صورت‌بندی و ساخت اجتماعی جامعه ما به گونه‌ای است که وضعیت اعتراض در آن تبدیل به وضعیت مطلوب شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص. ۴۱). از منظر روان‌شناسی اجتماعی نیز، اتخاذ موضع و رویکرد اعتراضی منجر به اقبال افکار عمومی به سوی نخبگان سیاسی می‌شود. این عامل نیز در شکل‌گیری روند کلی اعتراض در جامعه ایران معاصر اثرگذار است (برزگر، ۱۳۸۸، ص. ۳۸).

۲،۱،۶. فرهنگ و تفکر اعتراضی تشیع

در جامعه ایران فرهنگ و تفکر تشیع یک منبع ریشه‌دار و همواره مولد مفهوم اعتراض بوده است. با گسترش تشیع در ایران، اعتراض به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی این تفکر در ابعاد مختلف ایرانیان رسوب کرده و در بازه‌های زمانی مختلف و متعدد تقویت و باز آفرینی شده است. با استقرار دولت‌های شیعی و تبدیل شدن امر فرهنگی به امر سیاسی، زمینه‌های اثرگذاری تفکر اعتراضی گسترش یافت (الویری، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۹). با استقرار دولت صفویه و بازخوانی فرهنگ تشیع در چارچوب حکمرانی شیعی، اعتراض به‌عنوان بن‌مایه تفکر سیاسی تشیع بیش از پیش در جامعه ایران گسترش یافت (جعفریان، ۱۳۸۷، ص. ۳۷۱). بنابراین در حوادث اعتراضی تاریخ معاصر ایران نظیر نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، نهضت جنگل، قیام ۱۵ خرداد و در نهایت انقلاب اسلامی ایران، همواره خط اعتراض به وضعیت موجود، الهام گرفته از فرهنگ سیاسی تشیع امتداد یافته است (حسینیان، ۱۳۸۳، ص. ۶۳۵، نجفی، ۱۳۸۱، ص. ۳۶۹). از این رو، یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری جامعه ایران بر مبنای روند اعتراضی را می‌توان اندیشه سیاسی تشیع در جغرافیای تمدنی ایران دانست (جعفریان، ۱۳۸۵، ص. ۲۱).

۳،۱،۶. تفکر تمدنی مدرن معترض

در تفکر ایرانی، یک لایه تمدنی با هویت ملی از دوران گذشته وجود داشت. این لایه تمدنی پس از ورود اسلام به ایران دو رکنی شد و هویت ایرانی-اسلامی در جامعه ایران استمرار یافت؛ اما در جامعه معاصر ایران با یک لایه تمدنی دیگر به‌نام لایه تمدنی تجدد نیز در تصادم قرار گرفت (نجفی، ۱۳۹۰، ص. ۹). با بررسی تاریخ معاصر ایران این نکته مشخص است که پس از ورود اندیشه‌های سیاسی مدرن به جامعه ایران، رویکردهای اعتراضی در رفتارهای اجتماعی ایران افزایش یافته و تبدیل به یک روند کلی و کلان شده است (آبراهامیان، ۱۳۹۴، ص. ۹). سطح چسبندگی زندگی اجتماعی جامعه ایران به نهادهای مدرن در حال افزایش است و آن نهادهای مدرن، بدون اقتضای

معرفتی نیستند. از این رو به نظر می‌رسد لایه تمدنی جامعه مدرن در تضاد با جامعه سنتی ایران منجر به افزایش زمینه‌های اعتراض شده است. ناظر به این سه مؤلفه، در سطح کلان، جامعه ایران متأثر از روند اعتراض سیاسی شده است. زیست یک جامعه به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نمادها و نمودهایی اطلاق می‌شود که به کنش اجتماعی و فردی و همچنین به روابط افراد یک جامعه معنا می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۹، ص. ۲۷). این مشخصه در کنار اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، منجر به گسترده‌تر و پرسرعت‌تر شدن این روند شده است (دوران، ۱۳۸۶، ص. ۸۶). از این رو باید بیان داشت که در شکل‌گیری زیست‌جهان مدرن جامعه ایران هم فضای واقعی و هم فضای مجازی نقش دارند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). همچنین ویژگی تکرار می‌توان نشانه دیگری بر روند اعتراضی در جامعه ایران معاصر دانست. تکرار از جمله نکات کلیدی برای فهم جامعه معترض است (عظیمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۳). از منظر نشانه‌شناسی نیز نشانه‌های «فردمحوری» و «خود مرجعی» در جامعه ایران برجسته‌تر شده است. هر چند در جامعه گذشته ایران گروه‌های مرجع تصمیم‌گیر بودند (مدنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۲). اما امروزه فردیت فرد در بسیاری از کنش‌های اجتماعی مبناست (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص. ۳۲۲؛ گر، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

۲,۶. سطح خرد

۱,۲,۶. گفتمانی: دوگانه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی با مسئله اعتراض سیاسی رابطه‌ای چند سویه دارد. اعتراض سیاسی مولد انقلاب اسلامی و انقلاب اسلامی نیز مولد جمهوری اسلامی است؛ این رابطه، چالش‌ها و مسائلی مختلفی را برجسته می‌سازد.

تجسم یافتن انقلاب اسلامی در ساختار جمهوری اسلامی منجر به حذف بخشی از آرمان‌ها و سازوکار یافتن قانونی برای برخی دیگر بود. از جمله مفاهیمی که در تجسم یافتن انقلاب اسلامی به قالب جمهوری اسلامی، وزن کمتری از ساختارها را به خود اختصاص داد، مفهوم اعتراض سیاسی بود؛ به طوری که اعتراض سیاسی در قانون اساسی

جمهوری اسلامی متبلور نشد. این ضعف ساختاری منجر شد که گفتمان‌ها و جریان‌های فکری-سیاسی از مجاری غیر از قانون اساسی این آرمان‌ها را پیگیری کنند. همچنین اعتراض سیاسی تا انتهای دهه شصت، هویتی، کلان، نخبگانی و ناظر به امر سیاسی بود؛ اما از دهه هفتاد تا کنون جامعه ایران دچار اعتراض‌های فراگیر، توده‌ای، اقتصادی و ناظر به امر اجتماعی و اقتصادی شده و تغییر صورت‌بندی داده است (قبادزاده، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۷). بنابراین، امروز اқشار مختلفی نظیر دانشجویان، معلمان، زنان، کارگران و صنوف به‌عنوان فعالان روند اعتراضی در جمهوری اسلامی مطرح هستند.

۲،۲،۶. اقتصادی: عوامل و مولفه‌های اقتصادی اعتراض‌ساز

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی در سطح خرد، مولفه‌ها و عوامل اقتصادی است. جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف در حوزه اقتصاد دچار چالش است. این وضعیت منجر به شکل‌گیری بسترهای اعتراضی خواهد شد.

فقدان نظام اقتصادی منسجم در حوزه‌های مختلف نظیر واردات، صادرات، گمرک، بیمه، بانک، بورس از یک سو، تحریم‌های مکرر قدرت‌های خارجی و ضعف ساختارهای اقتصادی در جهت تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه و همچنین تلاطم‌ها و التهاب‌های اقتصادی ناشی از سوءمدیریت از جمله مولفه‌هایی است که جمهوری اسلامی را از منظر اقتصادی در موضع ضعف قرار داده است.

تمایل جامعه به سودانگاری و منفعت بیشتر به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش تولید به دلیل خطرپذیری بالای این حوزه- منجر به وضعیتی شد که در دهه هشتاد شاهد رشد فزاینده موسسات اعتباری و مالی برای اعطای سود بیشتر به جامعه بود. این هدف‌گذاری و هم‌افزایی به‌همراه تمایل جامعه، منجر به شکل‌گیری و تأسیس موسساتی شد که با بازاریابی در حوزه اعطای سود حداکثری، مشتریان زیادی را جذب می‌کردند.

این روند همزمان با بحران‌های اقتصادی و ورشکستگی این موسسات اعتباری، زمینه اعتراض سیاسی را از سوی جامعه علیه نظام سیاسی فراهم ساخت. اعتراض‌های سیاسی دی ۱۳۹۶ ناشی از مولفه‌های اقتصادی بود که در قالب اعتراض سیاسی سرباز نمود. از این رو داشتن تصویر صحیح و واقعی از وضعیت اقتصادی جامعه برای حکمرانان امری لازم و ضروری است.

۳،۲،۶. سیاسی: فاصله وضعیت آرمانی و وضعیت مطلوب

در هر انقلابی ترسیم «وضعیت آرمانی» توسط انقلابیون، محرک توده‌های جامعه برای فاصله گرفتن از وضعیت موجود است. جامعه برای آنکه وضعیت آرمانی خود را تصویر کند، به نقد وضعیت موجود می‌پردازد که ثمره آن می‌تواند از اصلاح تا وقوع یک انقلاب باشد؛ اما مهم این است که اعتراض به وضع موجود نقطه‌ای است که فاصله وضع موجود و وضع آرمانی را مشخص می‌کند.

جامعه ایران پس از گذشت دهه اول، بر اساس آرمان‌های انقلاب به دنبال ارزیابی جامعه موجود خود بود. به نظر می‌رسد جامعه مفهوم «کارآمدی» را به‌عنوان یک شاخص برای سنجش و ارزیابی جمهوری اسلامی عملکرد برگزید. به عبارت روشن‌تر انتظار جامعه ایران از جمهوری اسلامی حکمرانی بود. جوهره حکمرانی در مفهوم «کارآمدی» نهفته است. رشد فزاینده انتظارات جامعه از جمهوری اسلامی از یک سو و رشد روندهای اعتراضی در جامعه از سوی دیگر منجر به تراکم اعتراض سیاسی در جامعه ایران شد.

همچنین یکی دیگر از مؤلفه‌های تبیین اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی مطلوبیت جایگاه اعتراضی در بازاریابی سیاسی است. نخبگان سیاسی در عرصه انتخابات و رقابت‌های سیاسی تلاش می‌کنند تا خود را منتقد و معترض وضع موجود معرفی و خود را در موقعیت اعتراضی تصویرسازی کنند. تداوم و تسری این رویکرد به جامعه، خود زمینه‌ساز فضای اعتراضی در جامعه ایران شده است.

۴،۲،۶. اجتماعی: شکاف‌های اجتماعی مولد اعتراض سیاسی

اعتراض سیاسی در روابط اجتماعی جامعه ایران تبدیل به روندی فراگیر، اثرگذار و تعیین‌کننده شده است. ساختارهای اجتماعی در جامعه معاصر ایران به دلیل داشتن شکاف‌های متعدد قومیتی، هویتی، امنیتی، مذهبی مستعد وقوع اعتراض‌های سیاسی بلندمدت و کوتاه‌مدت است. این شکاف‌ها هر چند می‌توانند پایه تحلیل‌های اجتماعی دیگر نیز قرار بگیرند اما به نظر می‌رسد اعتراض سیاسی محتمل‌ترین بعد این تغییرات اجتماعی باشد. به عبارت دیگر مبتنی بر نشانه‌ها می‌توان گفت که شرایط اجتماعی با رویداد اعتراض سیاسی هم‌آوایی دارند. در حوزه ادبیات، آثار و اندیشه‌های اعتراضی نظیر آثار دکتر شریعتی و جلال آل‌احمد مورد استقبال جامعه است.

همچنین در حوزه سینما، فیلم‌هایی نظیر آژانس شیشه‌ای، درباره‌الی، فروشنده، جدایی نادر از سیمین با پس‌زمینه اعتراض، مورد استقبال جامعه قرار می‌گیرد. در حوزه ورزش برنامه نود و در رسانه، برنامه‌های گفت‌وگو محور انتقادی صدرنشین جدول جلب نظر مخاطبان هستند. در حوزه موسیقی نیز سبک‌هایی نظیر راک به‌عنوان سبک‌های موسیقی اعتراضی با استقبال جامعه جوان روبه‌رو شده است. در حوزه سیاست و انتخابات نیز جریان‌های سیاسی برای کسب وجهه و پیروزی در کارزارهای انتخاباتی با انتخاب نقش اپوزیسیون و اعتراضی در صدد جذب آرای مردم هستند.

۵،۲،۶. حقوقی: بسترهای قانونی و حقوقی مضیق

چالش دیگر جمهوری اسلامی در مواجهه با اعتراض سیاسی، محمل‌های قانونی مضیق است. هر چند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۵۸ ذیل اصل ۲۷ و تصویب مجدد در سال ۶۸ نشان از به رسمیت شناختن «حق اعتراض سیاسی» برای جامعه در قبال نظام سیاسی بود؛ اما سازوکار اجرایی ساختن این اصل در قوانین و هنجارها بروز و ظهور نیافت. مسئله‌ای که تا به امروز نیز جمهوری اسلامی در مواجهه با آن فاقد استراتژی مدون و مشخص است (شمس، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۵).

در مجموعه‌های حقوقی جمهوری اسلامی سخنی از اعتراض سیاسی نیست. در اسناد راهبردی، چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی، قوانین عادی، قوانین رسمی، آیین‌نامه‌های داخلی وزارت کشور جمهوری اسلامی به‌عنوان نهاد مسئول، هیچ داده و اطلاعاتی حول موضوع اعتراض سیاسی یافت نمی‌شود. به عبارت روشن‌تر بسترها و محمل‌های اعتراض سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی مضیق است. این تضییق می‌تواند به دلایل مختلف باشد؛ التهاب جامعه ایران در سال‌های ابتدای انقلاب، پرچالش بودن رقابت‌ها و توالی قدرت در دهه اول آن، کم‌تحملی جریان‌های سیاسی در پذیرفتن حق اعتراض سیاسی برای جریان رقیب، ذهنیت نخبگان سیاسی از بی‌چارچوب بودن اعتراض سیاسی می‌تواند از جمله این دلایل باشد؛ اما با توسعه یافتن اعتراض سیاسی به‌عنوان یک روند عمومی در جامعه ایران، نظام سیاسی نمی‌تواند نسبت به ابعاد مختلف آن بی‌تفاوت باشد.

۶،۲،۶. امنیت: آستانه تحمل جمهوری اسلامی و فربه‌شدن سطح امنیتی

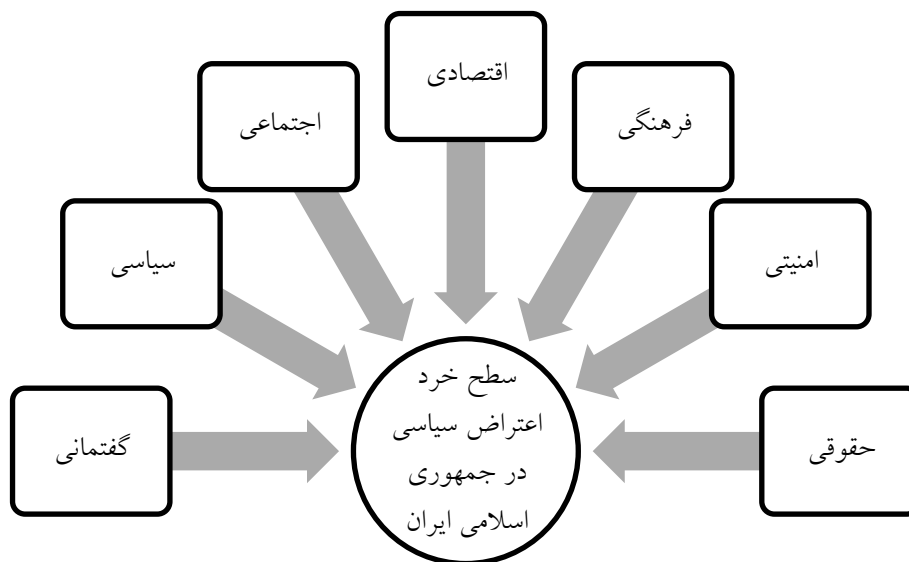
مؤلفه دیگر در تبیین وضعیت موجود اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فربه‌شدن لایه‌های امنیتی در فهم اعتراض سیاسی است. امنیت، حلقه مفقوده جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و با توجه به فعالیت جریان‌های ضد امنیت دهه شصت در ایران، فهم و رصد مسائل امنیتی در جامعه ایران توسعه یافت. دستگاه‌های امنیتی ناظر به کشف، فهم و مدیریت زمینه‌های امنیتی فعال شد و تلاش کردند تا گسل‌های اجتماعی احتمالی را مدیریت کنند. این رویکرد منجر به اثرپذیری سایر ساحت‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی از این رویکرد شد. از این رو تشخیص امنیتی اولین تشخیص متخصصین این حوزه در مواجهه با جریان‌های اعتراضی است. از این رو بحران انگاشتن همه تحولات سیاسی-اجتماعی در جامعه ایران منجر به فربه‌تر شدن و گسترده‌تر شدن نهادهای امنیتی شده است.

این گستردگی سطح امنیتی منجر به آن می‌شود که یک پدیده سیاسی اجتماعی سریع با مقیاس‌های امنیتی سنجیده شود و راهکارهای امنیتی برای مدیریت آن پیشنهاد شود. شانه خالی کردن نهاد مسئول در زمینه اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی منجر به ورود دستگاه‌های غیرمسئول می‌شود و ثمره آن امنیتی شدن فضای جامعه در التهاب‌ها، بحران‌ها و تلاطم‌هاست. سیاسی یا اجتماعی دیدن اعتراض سیاسی منجر به موسع شدن آستانه تحمل جمهوری اسلامی در قبال اعتراض سیاسی از سوی جامعه می‌شود. مولفه‌ای که فقدان آن منجر به چالشی درخور توجه شده است.

۷،۲،۶. فرهنگ: فرهنگ اعتراض سیاسی

هر شکلی از بروز و ظهور اعتراض سیاسی تابع فرهنگ سیاسی جامعه است. همچنین رفتار معترضین نیز در فضای کلی تر «فرهنگ سیاسی» معنا می‌یابد. فرهنگ سیاسی یک جامعه ممکن است اعتراض سیاسی را به‌عنوان یک رفتار سیاسی-اجتماعی بپذیرد و در مقابل آن انعطاف بیشتری داشته باشد اما در جامعه دیگر ممکن است اعتراض سیاسی به سرعت تبدیل به یک امر امنیتی و سپس به شدت سرکوب شود.

از این منظر یکی از چالش‌های اصلی جمهوری اسلامی در موضوع اعتراض سیاسی، فرهنگ اعتراض سیاسی از سوی جامعه، دولت و معترضان است. دولت چه تعریفی از اعتراض سیاسی دارد؟ چه شاخص‌هایی را معیار سنجش و تفکیک رفتار اعتراضی از رفتار غیر اعتراضی می‌داند؟ از سوی دیگر جامعه چگونه به اعتراض سیاسی دست می‌زند؟ آیا می‌تواند به‌گونه‌ای به اعتراض سیاسی دست یازد که بنیان‌های جامعه و نظام سیاسی را متزلزل نکند؟ معترضان چه رفتاری باید از خود نشان دهند تا بتوان آنان را از آشوب‌گران مجزا کرد؟ چالش‌هایی از این دست، مسائلی است که جمهوری اسلامی در مقوله فرهنگ اعتراض سیاسی دچار خلأ اساسی است.



شکل ۴: عوامل شکل دهنده اعتراض سیاسی در سطح خرد

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۷. راهکارها

در مقام تطبیق چارچوب نظری مختار بر جمهوری اسلامی، برای تبیین وضعیت «اعتراض سیاسی» و «ثبات سیاسی» در جمهوری اسلامی می‌توان این‌گونه بیان داشت که جامعه ایران در دو سطح کلان و خرد درگیر اعتراض سیاسی شده است. در سطح کلان به صورت روند و در سطح خرد به صورت علت، عواملی منجر به شکل‌گیری اعتراض سیاسی شده است. بدیهی است که هدف اصلی این روندهای اعتراضی آن است که ثبات سیاسی دچار چالش شود. این هدف‌گذاری از سوی معترضان منجر به شکل‌گیری و تداوم اعتراض سیاسی در جامعه می‌شود. علت‌های شکل‌گیری اعتراض سیاسی در جمهوری اسلامی می‌تواند از بسترها و محمل‌های مختلف و متعددی سرچشمه بگیرد؛ اما هدف اصلی همه این جریان‌های اعتراضی، ثبات سیاسی حاکمیت است. از این رو جمهوری اسلامی برای حل این چالش چند راهکار را می‌تواند در سیاست‌گذاری کلان خود مد نظر قرار دهد.

۱,۷. جلوگیری از شکل‌گیری عوامل و مؤلفه‌های اعتراض سیاسی

اولین لایه مدیریت این چالش توجه به بسترهای شکل‌گیری اعتراض سیاسی است. این وظیفه ذاتی یک حکومت است که نسبت به علل و بسترهای شکل‌گیری اعتراض سیاسی در جامعه حساس و پیگیر عوامل و مؤلفه‌های شکل‌گیری آن باشد. رصد، شناسایی، پایش و سنجش بسترهای شکل‌گیری اعتراض سیاسی یک امر حیاتی برای نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. از این رو، اولین گام آن است که با شناسایی این علت‌ها زمینه برای عدم شکل‌گیری یا تقلیل اعتراض سیاسی فراهم شود. جمهوری اسلامی نیز نیازمند رویکردی است که در آن مبتنی بر پژوهش‌های میدانی و کاربردی زمینه‌ها و بسترهای تکوین‌دهنده و تشکیل‌دهنده اعتراض سیاسی را شناسایی کند تا عوامل شکل‌گیری اعتراض سیاسی را به حداقل برساند.

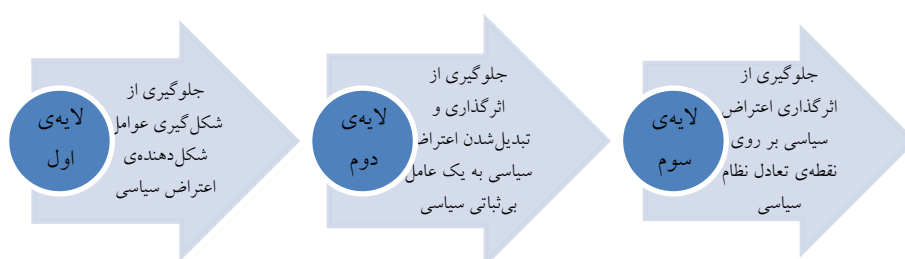
۲,۷. جلوگیری از تبدیل شدن اعتراض سیاسی به یک عامل بی‌ثباتی سیاسی

لایه دوم مدیریت اعتراض سیاسی در مواجهه با چالش بی‌ثباتی سیاسی، جلوگیری از تبدیل شدن اعتراض سیاسی به یک عامل اثرگذار بر بی‌ثباتی سیاسی است. حکومت‌ها می‌توانند با استفاده از ابزارها و شیوه‌های مختلف و متعدد نظیر ابزارهای تقنینی، حقوقی، تأمین اجتماعی، توسعه رفاه عمومی، بازتعریف حق اعتراض، حق شهروندی، ارتقای فرهنگ سیاسی اعتراض زمینه را به گونه‌ای تنظیم کند که اعتراض سیاسی، ثبات سیاسی را دچار تزلزل نکند. از این رو لازم است جمهوری اسلامی زمینه اعتراض سیاسی را به گونه‌ای تنظیم کند که اعتراض سیاسی تبدیل به یک عامل بی‌ثبات‌کننده سیاسی تبدیل نشود.

۳,۷. جلوگیری از اثرگذاری اعتراض سیاسی بر نقطه تعادل در نظام سیاسی

به نظر می‌رسد سومین گام، جلوگیری از اثرگذاری اعتراض سیاسی بر نقطه تعادل در نظام سیاسی است. طبیعی است هر حاکمیتی یک نقطه تعادل متشکل از نخبگان، ساختار و روندها دارد و این سه رکن موظف به ایجاد و محافظت از تعادل نظام سیاسی به‌عنوان یک سیستم هستند. جمهوری اسلامی نیز برای حل این نکته نیازمند آن است

که نقطه تعادل را به گونه‌ای قدرتمند سازد که اعتراض‌های سیاسی امکان اثرگذاری گسترده بر آن نداشته باشند و از سوی دیگر نیازمند آن است که اعتراض سیاسی را در جامعه به گونه‌ای مدیریت کند که این روند اعتراضی کم‌ترین اثر را بر نقطه تعادل ثبات سیاسی وارد آورد.



شکل شماره ۵: مراحل و سطوح راهکارهای عملیاتی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتیجه‌گیری

اعتراض سیاسی به‌عنوان یک کلان‌مسئله، ثبات سیاسی را در جمهوری اسلامی به چالش کشیده است. از یک سو عوامل و بسترهای شکل‌گیری و گسترش اعتراض سیاسی در جامعه معاصر ایران رو به افزایش است؛ از سوی دیگر حاکمیت، نیاز حیاتی به ثبات سیاسی برای حکمرانی دارد. بنابراین باید به دنبال راهکاری برای حل این چالش بود.

مبتنی بر چارچوب نظری بیان شده، اعتراض سیاسی آنگاه که تبدیل به یک عامل بی‌ثباتی می‌شود و نقطه تعادل را در یک نظام سیاسی به چالش می‌کشد، ثبات سیاسی نظام سیاسی نیز به تبع آن دچار تزلزل، تلاطم و چالش می‌شود. از این رو ضمن تحلیل و فهم سطوح مختلف و متعدد اعتراض سیاسی نیازمند راه‌حل لایه‌ای مدیریت اعتراض سیاسی به‌عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده هستیم.

در جمهوری اسلامی ضمن فهم و دسته‌بندی سطوح اعتراض سیاسی می‌توان در سه لایه مانع شکل‌گیری دوگانه «اعتراض سیاسی» و «ثبات سیاسی» باشیم. لایه اول، فهم اعتراض سیاسی و جلوگیری از شکل‌گیری بسترهای اعتراض سیاسی است. لایه دوم، جلوگیری از تبدیل شدن اعتراض سیاسی به یک عامل بی‌ثباتی سیاسی است و در لایه سوم، نیازمند جلوگیری از اثرگذاری اعتراض سیاسی بر نقطه تعادل ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی هستیم. برای نیل به این منظور، جامعه و حاکمیت دارای وظایف متفاوت و متمایزی هستند.

کتابنامه

- آبراهامیان یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. (احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- آبراهامیان یرواند (۱۳۹۱). تاریخ ایران مدرن. (محمد ابراهیم فتاحی، مترجم). تهران: نشر نی.
- آبراهامیان یرواند (۱۳۹۴). مردم در سیاست ایران. (بهرنگ رجبی، مترجم). تهران: نشر چشمه.
- اپتر دیوید ای؛ چالرز اف. اندی پین (۱۳۸۰). اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی. (محمدرضا سعیدآبادی، مترجم)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسماعیلی حمیدرضا (۱۳۸۹). شورش اشرافیت بر جمهوریت؛ ریشه‌یابی حوادث سال ۸۸. تهران: بی‌جا.
- اشرافی مرتضی (۱۳۹۴). بررسی زمینه‌ها، علل و امکان وقوع انقلاب رنگی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مطالعات انقلاب اسلامی.
- افتخاری اصغر (۱۳۸۱). رسانه‌ها و بی‌ثباتی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اکوانی سید حمدالله؛ سید ولی موسوی نژاد (۱۳۹۲). نظریه آشوب؛ مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران. تهران: پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی.

الویری محسن (۱۳۸۴). شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

برزگر ابراهیم (۱۳۸۸). روان‌شناسی سیاسی. تهران: انتشارات سمت.

بشیریه حسین (۱۳۸۶). عقل در سیاست. تهران: نگاه معاصر.

بشیریه حسین (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.

بنی‌هاشمی میرقاسم (۱۳۹۴). انتخابات و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مطالعات راهبردی.

پناهی محمد عادل (۱۳۸۳). درآمدی بر ثبات سیاسی. تهران: راهبرد.

پناهی محمدحسین (۱۳۹۳). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها. تهران: انتشارات سمت.

پورفرد مسعود (۱۳۹۶). ثبات سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی. تهران: سیاست متعالیه.

توسلی اصغر (۱۳۸۹). ثبات سیاسی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلام، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ‌نشده). دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

جعفریان رسول (۱۳۸۵). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران. تهران: نشر مولف.

جعفریان رسول (۱۳۸۷). صفویه از ظهور تا زوال. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.

حسینی سید جواد (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی سیاسی اعتراض‌ها در حکومت امام علی علیه‌السلام، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ‌نشده). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

حسینی معصومه (۱۳۸۷). زمینه‌های فکری ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران.

(پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ‌نشده). دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

حسینیان روح‌الله (۱۳۸۳). چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خسروی محمدعلی؛ داود بیات (۱۳۸۹). کالبدشکافی انقلاب‌های رنگین و تأثیر آن در ایران. تهران: مطالعات روابط بین‌الملل.

خواجه سروی غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- داودی علی‌اصغر (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی، کشمکش‌های سیاسی و شکاف اجتماعی، فصل‌نامه‌ی علوم سیاسی، مجله‌ی دانشگاه باقرالعلوم.
- دلاوری ابوالفضل (۱۳۷۸). بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران. (رساله‌ی دکتری چاپ‌نشده). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- دلاوری ابوالفضل (۱۳۹۲). درآمدی انتقادی بر مفهوم و شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی؛ به‌سوی مدلی جامع و روزآمد برای سنجش بی‌ثباتی سیاسی. تهران: دولت پژوهی.
- دوران بهزاد (۱۳۸۶). هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- دیترا آپ کارل (۱۳۹۵). جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی؛ نظریه‌ها و رویکردها. (مجید عباسی، مترجم) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دیلینی تیم (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. (بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- رابرت گر تد (۱۳۸۸). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ (علی مرشدی زاد، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ریتزر جرج (۱۳۸۹). مبانی نظریه‌ی جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. (شهناز مسمی پرست، مترجم). تهران: نشر ثالث.
- ساندرز دیوید (۱۳۹۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی. (حمید امانت، مترجم) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیدمن استیون (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. (هادی آجیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
- شفیعی احمد؛ ابراهیم برزگر و علی مرادزاده (۱۳۹۵). نقش ولایت و رهبری در ثبات جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: آفاق امنیت.
- شفیعی فر محمد (۱۳۸۷). بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها در جمهوری اسلامی ایران. (رساله دکتری چاپ‌نشده). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- شمس عبدالله (۱۳۸۶). قانون اساسی از فرمان مشروطیت تا امروز. تهران: پژوهش دراک.

صادقی فسائی سهیلا؛ ایمان عرفانی منش (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مطالعه موردی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. تهران: راهبرد فرهنگ.

طالبیان محمدرضا (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی سیاسی کلان؛ تحلیلی بین‌کشوری از بی‌ثباتی سیاسی. تهران: جامعه‌شناسان.

عالی پور حسن (۱۳۸۶). مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض‌آمیز. تهران: مطالعات راهبردی. عظیمی دولت‌آبادی امیر (۱۳۸۷). منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قبادزاده ناصر (۱۳۸۱). روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه‌ی انقلاب. تهران: فرهنگ گفتمان.

قریشی فردین (۱۳۸۹). بحران ناهماهنگی پایدار قوای سه‌گانه حاکمیت: مطالعه موردی ایران. تهران: علوم سیاسی.

کاستلز مانوئل (۱۳۹۳). شبکه‌های خشم و امید؛ جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت. (مجتبی قلی پور؛ مترجم) تهران: نشر مرکز.

کالینیکوس آکس (۱۳۹۷). درآمدی تاریخی بر نظریه‌ی اجتماعی. (اکبر معصوم بیگی، مترجم) تهران: نشر آگه.

گیدنز آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. (منوچهر صبوری، مترجم)، تهران: نشر نی.

لارنا اندریک و دیگران (۱۳۹۰). جنبش‌های نوین اجتماعی. (سیدمحمد کمال سروریان و علی صبحدل، مترجمان). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مجموعه‌ی از نویسندگان (۱۳۹۶). نظریه‌های جنبش اجتماعی. (سعید خاوری نژاد، مترجم) تهران: راه فردا.

محمدی لرد (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مدنی جلال‌الدین (۱۳۸۷). تاریخ سیاسی معاصر ایران. (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مدنی جلال‌الدین (۱۳۸۷). تاریخ سیاسی معاصر ایران. (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

معین محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: آدنا؛ کتاب راه نو.

منزوی مسعود؛ علی آقاسرجه (۱۳۸۶). محیط‌شناسی راهبردی بر اساس روش تحلیل روند و مدل، تهران: فصل‌نامه نگرش راهبردی.

نجفی موسی (۱۳۸۹). هویت ملی ایرانیان و انقلاب اسلامی ایران. تهران: آرمان نو.
نجفی موسی؛ موسی فقیه حقانی (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی ایران؛ بررسی مؤلفه‌های دین - حاکمیت. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

نش کیت و آلن اسکات (۱۳۸۸). راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی. (ج ۱) (قدیر نصری؛ محمدعلی قاسمی، مترجمان) تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
هانتینگتون ساموئل (۱۳۸۶). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. (محسن ثلاثی، مترجم) تهران: نشر علم.

همایون کاتوزیان محمدعلی (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطیت تا پایان سلسله‌ی پهلوی. (محمدرضا نفیسی؛ کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.

همایون کاتوزیان محمدعلی (۱۳۸۰). تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران. (علیرضا طیب، مترجم). تهران: نشر نی.